

## مدل حکمرانی در قرآن کریم؛ براساس کلیدواژه تبعیت

حمید ایزدبخش

پژوهشگر هسته سلامت مرکز رشد و دانشجوی دکتری رشته تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی،  
دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران. ایران.

h.eizadbakhsh@isu.ac.ir

مجتبی جوادی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام). تهران. ایران.

mo.javadi@isu.ac.ir

### چکیده

در رابطه با حکومت از منظر قرآن مطالعات زیادی انجام شده است. اما در مورد مفهوم نوظهور حکمرانی، مدل آن و مولفه‌های اصلی آن کمتر پژوهشی در این زمینه به چشم می‌آید. از اینرو هدف اصلی این مطالعه شناخت مدل کلی حکمرانی از منظر قرآن کریم قرار گرفت. روش مورد استفاده در این گزارش روش «تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن» می‌باشد که بر اساس آن پس از دقیق کردن موضوع و یافتن کلیدواژه مناسب، به بررسی آیات مرتبط بر اساس روش تحقیق موضوعی قرآن کریم پرداخته شد. پس از بررسی‌های صورت گرفته واژه «تبعیت» برگزیده شد که در اصل معنا به «دنبال رفتن» و «دنبال بودن» اشاره دارد و این معنا قرابت زیادی با مفهوم محوری حکمرانی داشت. از اینرو تبعیت کلیدواژه‌ی اصلی مطالعه قرآن قرار گرفت. در بررسی آیات از رویکردی هنجاری پرهیز شد تا توجه به پیش‌فرض‌ها و توصیف‌های قرآنی، دلالت‌های روشن‌تری در مورد حکمرانی برداشت کنیم. در نهایت نتایج پژوهش به صورت مدل حکمرانی در قرآن کریم در سه محور تابع، متبوع و تبعیت که ارکان «تبعیت کردن» هستند، ارائه گشت. **کلیدواژه‌ها:** پیروی، حکمرانی، حکمرانی اسلامی، تبعیت.

## مقدمه و بیانیه مسئله

در هر قلمرو جغرافیایی، شیوه حکمرانی و در معنایی عام‌تر، اداره حکومت از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که اندیشمندان و نخبگان جامعه به آن می‌اندیشند. با وجود این وصف، مسئله حکمرانی در ایران از حیث نظری و عملی با مشکلاتی عجیب است که ضرورت توجه به آن را دوچندان می‌کند. امروزه واژه حکمرانی توسط برخی اندیشمندان و کارگزاران ایرانی به کار گرفته می‌شود. به کارگیری واژگان وارداتی نیازمند تأمل و بررسی‌های عمیق و دقیق فرهنگی است. آنچه در اغلب مقالات و محافل کارگزاران داخلی مطرح است، صرفاً حکمرانی را به نظریه بانک جهانی در باب «حکمرانی خوب» تقلیل داده است (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). «حکمرانی خوب» به دنبال تحقق هنجارهای دهکده جهانی است و با هدف خاصی در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود، ولی آیا نظریه‌های حکمرانی رایج صرفاً منحصر در حکمرانی خوب است؟ قطعاً این‌گونه نیست، ولی ادبیات ترجمه‌ای و وارداتی، عامدانه یا غیرعامدانه، بسیار اندک به سایر نظریه‌های حکمرانی پرداخته است (برای نمونه بنگرید: حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳؛ حیدری، ۱۳۹۵؛ سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱؛ شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲؛ محمدعلی‌پور و رحیمی عماد، ۱۳۹۲؛ ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱؛ یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴)؛ از طرف دیگر، امروزه گریزی از مفاهیم حکمرانی نداریم. با توجه به ظهور رقیب‌ها و بازیگران متعدد در عرض دولت، حکومت نیازمند به کارگیری شیوه‌های جدیدی در چینش این بازیگران است و باید نظریه مختص به خودش را در حکمرانی ایجاد کند. در واقع حکمرانی به دنبال بازسازی یکی از مهم‌ترین روابط موجود در هر جامعه، یعنی «رابطه پیروی» است. به همین دلیل، اینکه چه کسی از چه کسی پیروی کند و ساختار این پیروی چگونه باشد، یا چرایی پیروی از افراد خاص اهمیت وافر می‌یابد. هر حکومت و جامعه‌ای که به دنبال ساخت تمدن پایدار و ایجاد نظم خاص مبتنی بر ارزش‌های خویش است، ناگزیر از ساخت و اعمال اقتدار روی تعدادی از بازیگران نامتجانس اجتماعی است. چینش بازیگران و تعیین نسبت و روابط آن‌ها برای اعمال اقتدار در ادبیات دنیای غرب با مفهوم «حکمرانی» شناخته می‌شود (گلایزر جوکن، ۲۰۱۲: ص ۱).

یکی از خلأهای جدی برای تحقق کامل انقلاب اسلامی عدم تسری نظام ولایت فقیه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره است؛ به عبارت دیگر، با تحقق انقلاب در ۱۳۵۷، نظام اسلامی تحقق یافته است، اما هنوز دولت اسلامی ظهور نکرده است

(خامنه‌ای، ۱۳۸۰: بیانات در دیدار با کارگزاران نظام). برای تحقق دولت اسلامی نیازمند تبیین دقیق الگوی پیروی اسلامی و نحوه‌ چیش بازیگران در جمهوری اسلامی هستیم. اگرچه پژوهش‌هایی در باب حکمرانی اسلامی شکل گرفته است، غالباً به ویژگی‌های شخصی حکمران پرداخته‌اند و صرفاً مقدار اندکی به چگونگی سازوکارهای حکمرانی توجه کرده‌اند. حکمرانی صرفاً برخورد بالا به پایین و سلسله‌مراتبی با انسان‌ها نیست، بلکه گونه‌های مختلف دیگری اعم از بازاری و شبکه‌ای نیز دارد. آنچه در ادبیات اسلامی و به‌ویژه قرآن آمده است، حاکی از یک نظام انسانی پیروی در جامعه است. این نظام پیروی را می‌توان در پرتو مفاهیمی همچون اطاعت، تبعیت و ولایت در قرآن کریم پیگیری کرد.

در پژوهش حاضر سعی شده است جلوه‌هایی از مفهوم حکمرانی اسلامی در پرتو واژه «تبعیت» در قرآن کریم ارائه شود. برای ورود دقیق‌تر به معارف قرآن کریم، لازم بود مفهوم رایج حکمرانی بررسی شود؛ بنابراین، در ادامه به مفهوم حکمرانی پرداخته می‌شود. در این بررسی روشن می‌شود مفاهیم کلیدی حکمرانی و جوهره آن چیست. این مفاهیم کلیدی به ما قابلیت‌هایی خواهند داد که پژوهش قرآنی مناسب‌تری را رقم بزنیم. همچنین، محورها و سؤال اصلی حکمرانی را نیز در این بخش خواهیم یافت. با بررسی حکمرانی مشخص می‌شود سه محور اصلی تابع، متبوع و تبعیت از اهمیت زیادی در تبیین مدل حکمرانی برخوردار است. سپس با تبیین روش مختار این مطالعه و ارائه گام‌های طی شده، به ارائه مدل حکمرانی قرآنی می‌پردازیم که در این مطالعه به آن دست یافته‌ایم. همچنین، در بخش جمع‌بندی، برخی از مهم‌ترین نکات و مسیره‌های پیشنهادی برای مطالعات آتی ترسیم شده است.

### حکمرانی: ماهیت و ریشه‌ها

امروزه لفظ حکمرانی نُقل محافل علمی و اجرایی کشور شده است. هرکس با هر سلیقه‌ای تمایل دارد از این لفظ استفاده کند تا مراد خودش را برساند. گاهی مراد از آن «حکمرانی خوب» و گاهی مدیریت و گاهی هم حکومت است. البته این مشکل فقط در داخل ایران مطرح نیست، بلکه در خارج از کشور نیز این لفظ به یک کلمه روزمره تبدیل شده است (مولمان، ۲۰۰۸: ص ۹). دانشجویان مدیریت دولتی با تنوعی در حال گسترش و اغلب گیج‌کننده از معانی و کاربردهای عبارت حکمرانی مواجه شده‌اند که همچنان به‌طور عمومی توسط روزنامه‌نگاران، سیاست‌گذاران

1. buzzword
2. Meuleman

و دانشمندان استفاده می‌شود (لین،<sup>۱</sup> ۲۰۱۰: ص ۲). این امر باعث شده است که لفظ حکمرانی تا مرز بی‌معنایی نیز کشیده شود تا اینکه به قول پیترز تعریف‌های «این همانی»<sup>۲</sup> از حکمرانی (برخی از کارهایی که در بیرون اتفاق می‌افتند به معنای حکمرانی است) رواج یابد (پیترز،<sup>۳</sup> ۲۰۰۰: ص ۳۵). به عقیده جسوپ، حکمرانی یک واژه فازی است که می‌تواند تقریباً برای هر چیزی به کار برود ولی هیچ چیزی را تبیین و توصیف نکند (جسوپ،<sup>۴</sup> ۲۰۰۲: ص ۴). اما واقعاً حکمرانی به چه معناست؟

کِتَل حکومت را به‌عنوان تشکیلات و تابع نهادهای عمومی تعریف کرده و به عقیده او حکمرانی عبارت است از راهی که حکومت از آن طریق وظایفش را عمل می‌کند؛ به عبارت ساده‌تر، کاری که حکومت می‌کند همان حکمرانی است (کتل،<sup>۵</sup> ۲۰۰۲: xi). رودز<sup>۶</sup> در فصل سوم کتاب فهم حکمرانی<sup>۷</sup> که برگرفته از یک سخنرانی او در ۱۹۹۵ است، به شش استفاده رایج از واژه حکمرانی اشاره می‌کند (رودز، ۱۹۹۵: ص ۶۵۳؛ همو، ۱۹۹۷: ص ۴۷).

استوکر<sup>۸</sup> نیز در مقاله‌ای به همین مفاهیم اشاره و پنج معنی مربوط به حکمرانی را بررسی کرده است. این مقاله در برهه‌های مختلف زمانی به چاپ رسیده است (استوکر، ۱۹۹۸، ۲۰۱۸). علی‌فرازمند از نظرگاه بین‌المللی به پدیده حکمرانی پرداخته و در کتابی با عنوان حکمرانی مطلوب<sup>۹</sup> این نگاه را تبیین کرده است که به نوعی در مقابل نظریه حکمرانی خوب که بسیار ارزش‌محور<sup>۱۰</sup> و هنجارمدار است، مطرح شده است (فرازمند، ۲۰۰۵). کویمان<sup>۱۱</sup> از منظر سایبرنتیک اجتماعی، حکمرانی را «الگوی در حال ظهور برآمده از حکومت کردن»<sup>۱۲</sup> می‌داند؛ به عبارتی دیگر، حکمرانی همان الگوی ساختاری است که در یک نظام اجتماعی-سیاسی به‌عنوان یک نتیجه یا پیامد معمولی

1. Lynn
2. tautology
3. peters
4. Jessop
5. Kettl
6. Rhodes
7. Understanding governance
8. Stoker
9. Sounds governance
10. value-laden
11. Kooiman
12. governing

تعامل بین کنشگران حاضر در آن نظام ایجاد می‌شود (کویمان، ۱۹۹۳: ص ۲۵۸؛ همو، ۲۰۱۳). فردریکسون<sup>۱</sup> و همکارانش نیز حکمرانی را «کوششی برای فهم روابط افقی و نهادی<sup>۲</sup> اداره در بستر دولت منفصل از همدیگر» قلمداد کرده‌اند (فردریکسون و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۲۴۴). مولمان (۲۰۰۸: ص ۱۱) نیز در یک تعریف وسیع‌تر می‌گوید: «حکمرانی کلیت تعاملات<sup>۳</sup> است که حکومت، دیگر تشکیلات عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در طی این تعاملات با یکدیگر مشارکت می‌کنند و برای حل مسائل اجتماعی یا خلق فرصت‌های اجتماعی هدف‌گذاری می‌کنند».

وقتی جنبه رابطه‌ای در مفهوم وسیع حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است، برخی دانشمندان ترجیح داده‌اند آن را مترادف با حکمرانی شبکه‌ای استفاده کنند (برای مثال بنگرید: لی، ۲۰۰۳: ص ۲؛ ووس،<sup>۴</sup> ۲۰۰۷: ص ۲۴) ولی به صورت کلی سبک و سیاق رابطه تبعیت می‌تواند به سه شکل سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای وجود داشته باشد (رودز، ۱۹۹۷: ص ۴۹)؛ بنابراین، اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران حکمرانی را در معنای ضیق آن یعنی حکمرانی شبکه‌ای به کار برده‌اند، حکمرانی در معنای وسیع‌تر آن شامل همه روابط می‌شود که سه گونه ایده آن سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای هستند.

بررسی مطالعات مربوط به حکمرانی بیانگر آن است که شکل عام و کلاسیک حکمرانی شامل سه گونه سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای است. البته برخی نویسندگان گونه چهارمی را با عنوان مختلف همانند اجتماعات<sup>۵</sup> و همبستگی<sup>۶</sup> به آن اضافه می‌کنند (کاپانو<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ص ۲۳۹).

برای بیان ریشه و خردمایه مفهوم حکمرانی لازم است به کارهای ماکس وبر<sup>۸</sup> در زمینه پایداری حکومت‌ها و بروز نظریه بوروکراسی وی اشاره شود. نظریه وبر براساس یک نگاه توصیفی-تاریخی، یکی از مهم‌ترین ریشه‌های نظری حکمرانی و نظام روابط پیروی در جامعه است و با فهم آن

1. Frederickson
2. lateral and institutional relations
3. interactions
4. Voss
5. Communities
6. olidarity
7. Capano
8. Max Weber

می‌توان بسیاری از آبخورهای نظریه‌های حکمرانی در غرب را پیگیری کرد و عمق آن مفهوم را به‌درستی شناخت.

ویر نظریه‌پرداز بوروکراسی است، ولی دغدغه اصلی وی چه بود که به این نظریه رسید؟ او مسئله اصلی خودش را پایداری حکومت‌ها می‌داند و برای تشریح این مسئله، بررسی‌های خودش را در مفهوم سلطه یا اقتدار متمرکز می‌کند. از نظر او هیچ جامعه و تمدنی بدون وجود روابط اقتدار یا سلطه امکان تداوم ندارد. و بر اساس مطالعات تاریخی و میدانی خود، سه نوع اقتدار را کشف کرد: اقتدار سنتی، اقتدار کاریز ماتیک و اقتدار عقلایی-قانونی که به دستگاه اداری بوروکراسی منجر می‌شود. در هر یک از گونه‌های اقتدار، نوع خاصی از روابط حاکم و محکوم برقرار بوده است، ولی در همه آن‌ها یک امر مشترک است و آن عبارت است از اینکه حاکم حق خودش می‌داند که پیروی شود و محکوم وظیفه خودش می‌داند که پیروی کند. و بر با رد کردن اقتدار سنتی و کاریز ماتیک، برای پایداری حکومت‌ها اقتدار عقلایی-قانونی و دستگاه اداری بوروکراتیک را تجویز می‌کند که بعدها به‌عنوان گونه حکمرانی سلسله‌مراتبی شناخته می‌شود؛ بنابراین، مسئله اصلی و بر که سرمنشأ پیدایش نظریه‌های حکمرانی شده است، پایداری روابط اقتدار در جامعه بوده است (واترز و واترز،<sup>۱</sup> ۲۰۱۵؛ موزلیس،<sup>۲</sup> ۲۰۰۸).

بنابراین، از مجموع مباحث ارائه‌شده در حکمرانی می‌توان نتیجه گرفت جوهر حکمرانی رابطه تبعیت و جریان پیروی است. همچنین، در موضوع تبعیت سه محور اساسی وجود دارد که بسیاری از اندیشمندان به پیروی از و بر و بر آن اساس نظریات خود را تنظیم کرده‌اند: حاکم، محکوم و رابطه تبعیت که در این مقاله آن را تابع، متبوع و تبعیت نامیده‌ایم.

### روش‌شناسی مطالعه قرآنی

شیوه و منطق حاکم بر مطالعه، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن بوده است. در این روش هشت گام اساسی طی می‌شود: ۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق، ۲. مشخص کردن کلیدواژه‌های مناسب، ۳. احصای آیات از ریشه مدنظر و سیاق آن‌ها، ۴. قرائت مکرر آیات احصاشده، ۵. مطالعه آیات در رکوعات، ۶. شکل‌گیری مدل اولیه، ۷. مراجعه به تفاسیر معتبر و ۸. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم (مسعودی پور و سپهری، ۱۳۹۴: ص ۹۴-۹۰). مراحل طی شده در این پژوهش به‌صورت زیر است:

1. Waters
2. Mouzelis

۱. تحدید و مشخص کردن موضوع تحقیق: در این مرحله به بررسی ادبیات حکمرانی پرداخته شد و تلاش شد عناصر محتوایی اصلی آن استخراج شود. همان طور که در بخش مقدمه و بیانیه مسئله آمده است، کلیدی ترین مفهوم در ادبیات حکمرانی، پیروی و تبعیت بود.

۲. مشخص کردن کلیدواژه های مناسب: با راهنمایی و مشورت دو خبره مطالعات قرآنی و عرضه مباحث حکمرانی به آن ها، به بررسی مفاهیم اصلی مرتبط در قرآن پرداخته شد. پس از بررسی های صورت گرفته، چند واژه اصلی در میان واژگان قرآنی به بحث های مرتبط با حکمرانی نزدیک تر رسید: تبعیت، اطاعت و ولایت. به نظر می رسد از میان این واژه تبعیت قرابت مفهومی بیشتری دارد.

مرحوم مصطفوی در التحقیق معنای اصلی تبع را به دنبال چیزی بودن و حرکت پشت آن می داند، چه حرکت مادی و چه معنوی و چه اینکه تبعیت عملی باشد و یا اینکه تبعیت فکری در آن باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۳۷۷) و استعمالات قرآنی متعددی نیز این معنا را تأیید می کند؛ به طور خاص استعمالات که در معنایی غیر از معنای خاص آن، یعنی پیروی کردن، در قرآن به کار رفته است مثل «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ» (نساء: ۹۲) و یا «إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ» (حجر: ۱۸) و دیگر موارد به ریشه معنایی آن اشاره دارد و نشان می دهد اصل معنایی به دنبال بودن و حرکت کردن پشت چیزی است که در معنای خاص پیروی کردن به کار رفته است؛ بنابراین، معنای خاص مورد نظر این مقاله از حکمرانی در این واژه ملحوظ است. مراحل سه تا هفت، که در روش تحقیقات قرآن ذکر شد، به صورت زیر طی شده است. شایان ذکر است این مراحل به صورت رفت و برگشتی صورت گرفته است و در اینجا برای ارائه منسجم به این سه دسته تقسیم شده اند.

۳. جست و جوی قرآن کریم و استخراج آیات مرتبط و دسته بندی اولیه براساس طبقه بندی قرآنی برای بررسی ساده تر: این دسته بندی آیات را به «آیات غیر مرتبط» و «آیات مرتبط» تقسیم و سپس آیات مرتبط به پیروی از حق (خدا، رسولان الهی، مؤمنان و سایر) و پیروی از باطل (شیطان و هوای نفس، طاغوت و ائمه کفر، بدکاران و سایر) تقسیم می کند.

۴. سپس با رویکرد مورد نظر، که بیشتر وجه توصیفی تبعیت مدنظر بوده است، به مطالعه و تفکر در آیات اقدام شد. در این بررسی به صرف آیات اکتفا نشد، بلکه آن ها در کنار سایر آیات و سیاق مورد بررسی قرار گرفت و در مواردی هم برای دریافت دقیق تر از موضوع به تفاسیری مانند المیزان فی تفسیر القرآن و تفسیر نمونه مراجعه شد.

توضیح بیشتر آنکه مفاهیم استنباطی اولیه از قرآن نسبت به تبعیت و واژگان مرتبط با آن،

مفاهیمی نزدیک به تبعیت از حق، شریک نگرفتن برای خداوند و غیره است. اما این مقاله برای آنکه بتواند دلالت‌های روشن‌تری در زمینه حکمرانی استنباط کند، رویکردی توصیفی (چگونگی تبعیت) به خود گرفت تا بتواند ناظر بر پرسش‌های حکمرانی، پاسخ‌گویی بهتری داشته باشد؛ در واقع، سؤال‌های مستخرج از حکمرانی بیشتر جنس توصیفی (چگونگی) دارند تا تجویزی، به همین منظور رویکرد بررسی قرآنی ما نیز با این رویکرد پیش گرفته شد.

همان‌گونه که گذشت، حکمرانی معانی بسیار گسترده و فراوانی دارد و اکثر صاحب‌نظران در بررسی مفهوم حکمرانی از مباحث ماکس وبر در زمینه اقتدار بهره برده‌اند؛ به عبارت دیگر، برای تبیین ماهیت اصلی حکمرانی و مسئله اصلی حوزه حکمرانی می‌توان به روابط اقتدار اشاره کرد. در این پژوهش نیز سعی شده است مبتنی بر این سؤال اصلی، پاسخ‌های قرآنی برای آن ذکر شود. در هر رابطه اقتدار، یک حاکم، یک محکوم و یک رابطه تبعیت بین آن‌ها وجود دارد که وبر آن‌ها را با عناوین حاکم<sup>۱</sup> و محکوم<sup>۲</sup> دسته‌بندی و رابطه تبعیت را در سه گونه کاریز ماتیک، سنتی و عقلایی-قانونی ارائه کرده بود. حال در ادبیات قرآنی می‌توان برای این سه سؤال نیز پاسخ یافت. در محور تابع، سؤال این است که چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی ناظر به شخص در تبعیت محوری و مهم‌اند؛ به عبارت ساده‌تر، چه می‌شود که شخص (از جانب خودش) از یک شخص یا یک چیز تبعیت می‌کند. محور متبوع به این می‌پردازد که چه ویژگی‌هایی در متبوع می‌تواند تبعیت به دنبال داشته باشد؛ به عبارت دیگر، متبوع با چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی می‌تواند تبعیت بیشتری را جذب کند. در محور تبعیت به دنبال پرسش‌هایی از قبیل علت، ارکان، اثرات و ابزارهای تبعیت بودیم. در مطالعه پیش‌رو به بررسی یکی از این واژگان یعنی «تبعیت» پرداخته‌ایم و سعی داشته‌ایم سه محور بیان‌شده را با تمرکز بر واژه تبعیت از قرآن استخراج کنیم.

۵. سپس سعی شد به این نکات، که در ابتدا ذیل سه مؤلفه کلی (تابع، متبوع و تبعیت) برچسب خوردند، در طول بررسی نیز برچسب‌های مقتضی اضافه شود و پس از اتمام کار به بررسی دوباره این برچسب‌ها پرداخته شد و تغییراتی در آن‌ها صورت گرفت. در این بررسی گاهی جایگاه اولیه آیات در محورهای اصلی نیز تغییر کرده است. نکات و تدبیرات مرتبط با تبعیت در جداول پیوست انتهای مقاله ذکر شده‌اند.

۶. طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم: در نهایت نیز به جمع‌بندی و ارائه این نکات پرداخته شد و تلاش شد به صورت یکپارچه و منسجم تحلیل و ارائه شوند.

1. ruler
2. ruled

## تجزیه و تحلیل: ارائه مدل قرآنی

پس از طی کردن پنج مرحله اولیه روش‌شناسی اشاره‌شده، به بحث و جمع‌بندی نکات ناظر به سه بخش اصلی یعنی تابع، متبوع و تبعیت پرداخته و در واقع سعی شد مدل کلی حکمرانی در قرآن ترسیم شود. در ادامه، ناظر به هر کدام از این سه مؤلفه اصلی، مهم‌ترین زیرمؤلفه‌ها و نکات استنباطی از قرآن کریم عرضه می‌شود.

### تابع

الف- آگاهی تابع: مردم در زندگی دنیا، به دنبال یافتن علم یقینی برای تبعیت نیستند و به علم اجمالی اکتفا می‌کنند؛ بنابراین، عوامل دیگر نقش پررنگ‌تری نسبت به آگاهی بازی می‌کنند. بدون آگاهی و شناخت متبوع هم تبعیت ممکن است، همان‌طور که انسان بدون آنکه شیطان را ببیند از آن تبعیت می‌کند و اصلاً این حربه‌ای برای ایجاد تبعیت است. زیرا شیطان و جنود او در صورتی که آشکار باشند، کسی از آن‌ها تبعیت نمی‌کند. دشمنی آن‌ها آشکار و مبین است به همین خاطر خود را پنهان می‌کنند و به صورت پنهانی دیگران را به تبعیت از خود وامی‌دارند و این در صورتی است که با آشکار شدن حق، تبعیت بیشتری به دنبال خواهد داشت.

به نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالی داشته باشد تا تبعیت کند که قرآن سطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالی متبوع را بشناسد. به همین سبب خداوند گمراهان را عذاب می‌کند. هر چند پس از آنکه به ماهیت و اثر عملشان پی می‌برند، از متبوع رویگردان می‌شوند؛ بنابراین، قطعاً سطحی از ناآگاهی داشته‌اند. البته خداوند مواردی را هم ذکر می‌کند که با وجود مراتب بالای آگاهی، تبعیت نمی‌کنند و حتی می‌فرماید اگر مراتب بالایی هم به آن‌ها داده شود، تبعیت نخواهند کرد. در این حالت می‌توان گفت مراتب بالای آگاهی هیچ‌گاه به صورت قطع به تبعیت منجر نخواهد شد و آگاهی را باید شرط لازم تبعیت بدانیم نه شرط کافی.

اثرات تبعیت با آگاهی و بدون آگاهی متفاوت است. به نظر می‌رسد تبعیت در صورتی اثرات کاملی دارد که آگاهی در آن وجود داشته باشد. مهم‌ترین اثر تبعیت یعنی هم‌شکلی تابع و متبوع یا به عبارت دیگر، قرابت زیاد آن دو در حالتی اتفاق می‌افتد که آگاهانه باشد. مثلاً درباره قوم فرعون که این آگاهی بسیار وجود دارد و فرعون امام آن‌ها و آن‌ها یک امت خوانده می‌شوند.

قرآن وزن آگاهی حصولی در تبعیت را کم‌رنگ می‌کند و به امور گرایشی اهمیت بیشتری می‌دهد. هر چند مراتب بالای شناخت می‌تواند تبعیت مؤثری را به همراه داشته باشد، مراتب پایین

علم حصولی، اثرات کمی نسبت به سایر علل مثل گرایش دارد. مواردی مثل بلعم باعورا به روشنی این امر را اثبات می‌کنند.

بنابراین، سطوح بالای علم که از جنس حضوری است، احتمال تبعیت بالاتری دارد؛ هرچند قطعی نیست و عوامل دیگر ممکن است این تبعیت را خدشه‌دار کنند. در سطوح پایین علم که اکثراً در امور دنیا از چنین علمی استفاده می‌شود، ممکن است تابع به‌درستی و به‌کنه، متبوع را نشناسد اما از خواست و امر او تبعیت کند؛ البته که در این حالت نیز سطحی از آگاهی حضور دارد. ذکر این نکته ضروری است که «باور» متفاوت است. اگر مردم به شخص یا چیزی باور داشته باشند، تبعیت از شخص یا چیز دیگری که باورهایشان را زیر سؤال برد و یا با آن در تعارض باشد، معمولاً موفق نخواهد بود.

ب- ویژگی تابع: فهم در کنار گرایش فرمولی است و قرآن بارها تکرار می‌کند در این فرمول با توجه به اینکه از فهم با لفظ «ظن» یاد می‌کند، نشان می‌دهد که گرایش نقش مؤثرتری در تبعیت دارد. به نظر می‌رسد محمل و جایگاه گرایش نیز قلب است. قرآن قلب و اینکه در قلب چه می‌گذرد را به متغیرهای تبعیت اضافه می‌کند. اینکه قلب در چه حالتی باشد بر تبعیت اثرگذار است. تأثیر عمل هم بیش از همه در قلب است که تبعیت‌هایی را در آینده شکل می‌دهد یا نمی‌دهد؛ بنابراین، با وارد کردن مرتبه‌ای به نام قلب در انسان تحلیل‌ها کاملاً متفاوت خواهد شد.

مهم‌ترین ویژگی تابع، که قرآن به کرات نام برده، هوا و هوس تابع است. به نظر می‌رسد ترجمه امروزی آن منفعت‌طلبی تابع است. هوا و هوس به نسبت آگاهی تابع نیز مرتبه بالاتری در تبعیت کسب می‌کند؛ یعنی شخص معمولاً از هوایش تبعیت می‌کند تا آگاهی‌اش. مصداق خیلی روشن آن بلعم باعوراست که حتی آیات الهی به او داده شده بود، اما او به دنیا گرایش داشت.

همچنین، «سوء عمل» هم از مؤلفه‌های مهم است که در واقع نوعی کیف و لذت در نفس شخص ایجاد می‌کند که آن را به علم ترجیح می‌دهد؛ به عبارت دیگر، شخص که از هوای خود تبعیت می‌کند در واقع از مرتبه‌ای از علم حضوری تبعیت می‌کند که لذت آن را چشیده است، هرچند باطل و زودگذر باشد.

منافع خویشاوندی نیز از علل تبعیت یا رد آن است، البته منافع فردی همچنان اولویت دارد. علقه و وابستگی‌های شخص به امتی (به معنای اعم آن) که به آن احساس تعلق می‌کند نیز یکی دیگر از ویژگی‌های تابع است. در این دو حالت تابع منبت خود را به سطح خویشاوند و امت گسترش داده است. تبعیت‌های پیشینی و مسیری که شخص طی کرده است در انتخاب مسیر آتی و تبعیت آتی نیز اثرگذار است. این را می‌توان هم از جنبه اثری که بر قلب او گذاشته است دید و هم از نظر علقه به

مسیر و مواردی از این دست.

بنابراین، سه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت وجود دارد: آگاهی و علم (ذهن/قلب)، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این‌هاست که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد با توجه به تکرار و تأکید قرآن، مهم‌ترین آن‌ها منفعت در مرتبه بعدی گرایش و در آخر آگاهی قرار گیرد.

### متبوع

به صورت کلی، قرآن چیزی را که حق باشد، با توجه به تطابقی هم که با فطرت دارد، شایسته تبعیت می‌داند، اما به صورت توصیفی، قرآن کریم برای متبوع ویژگی‌هایی را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

- دارای فضل و برتری است: به این معنا که متبوع دارای فضلی باشد که تابع را قانع کند از او تبعیت کند. این اقتناع می‌تواند به امور مختلف برگردد که در ابزارها اشاره خواهد شد، اما وجه اصلی‌اش این است که متبوع صاحب اسباب باشد. یکی از وجوه معجزات الهی نیز، که برای اثبات نبوت پیامبران الهی آورده می‌شود، اثبات فضل و برتری پیامبران است که دیگران را در تبعیت از ایشان قانع می‌کند.

- استقلال و تمایز متبوع: عدم وابستگی و اتکا به غیر در متبوع برای تابع مهم است.
- خیرخواهی، امین و راستگو بودن.
- علم عملی داشتن برای هدایت متبوع به صورتی که مورد اعتماد تابع قرار گیرد.
- اطمینان‌بخش بودن متبوع.
- حس قربت: اهلیت و از خود بودن متبوع در عین اینکه فضل دارد. گره‌های مختلفی می‌تواند بین تابع و متبوع زده شود، از گره قومیتی تا نژادی و غیره.

### تبعیت

متبوع و تبعیت جدا هستند و تبعیت می‌تواند متفاوت از متبوع شکل بگیرد. اینکه متبوع چه باشد یک امر است و اینکه تبعیت نسبت به آن چگونه شکل بگیرد، امر دیگری است. در این معناست که می‌توان بحث‌های مختلفی مثل انواع تبعیت را پیش کشید.

الف- ارکان تبعیت: به نظر می‌رسد با توجه به آیات مختلف می‌توان سه مؤلفه زیر را از ارکان

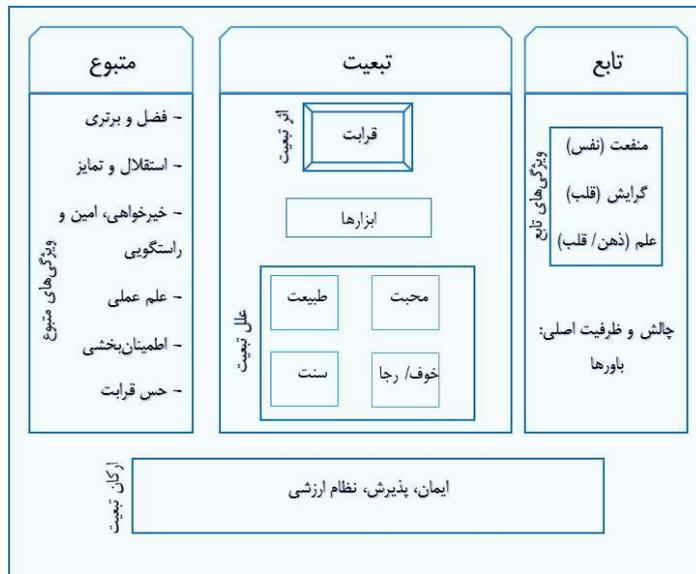
تبعیت دانست:

- ایمان و قبول داشتن متبوع،

- مؤثر دانستن وعده و وعید متبوع،
  - جهان‌بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی: مواردی مانند اینکه شخص به غیب اعتقاد داشته باشد یا نباشد از ارکان تبعیت به حساب می‌آیند به صورتی که در تعیین متبوع، تابع و غیره بسیار مؤثر خواهند بود.
- ب- علت تبعیت: با توجه به اینکه در تبعیت دو طرف یعنی تابع و متبوع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبوع نیست. یعنی چنین نیست که همه به خاطر خود متبوع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشته باشند، بلکه نوعی از تبعیت وجود دارد که می‌توان به آن تبعیت ابزارگونه گفت؛ در این نوع از تبعیت، علت تبعیت منطبق و در جهت متبوع نیست و متبوع به خاطر چیز دیگری تبعیت می‌شود. با توجه به این مقدمه و براساس آیات مختلف، می‌توان موارد زیر را علل تبعیت برشمرد:
- محبت (بیشتر از جانب تابع به متبوع، رابطه دو طرفه)،
  - پیروی از آبا (سنت)،
  - خوف و خشیت/رجا و امید،
  - میل و یا طبیعت تابع: تطابق متبوع با میل و یا طبیعت تابع که گاهی ممکن است با نیازسازی به وجود آید.
- ج- اثرات تبعیت: نزدیکی و قرابت تابع و متبوع از مهم‌ترین اثرات تبعیت است. البته اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد آن‌ها تبعی این اثر هستند.
- د- ابزارهای تبعیت: خداوند در قرآن بیش از همه ابزارهای تبعیت یعنی وسایلی که با دستاویزی به آن‌ها چه جانب حق و چه جانب باطل به دنبال ایجاد تبعیت هستند را برمی‌شمرد و البته در جانب حق جنبه انگیزه‌بخشی دارد و در جانب باطل جنبه انذار. خداوند در سوره اسراء طریقه‌های اصلی اثرگذاری را برمی‌شمرد که این طریقه‌ها در واقع مثل چهار کارویژه یا کارکردی هستند که برای تبعیت باید در آن‌ها فعالیت و کار کرد. مواردی که نام برده شده است از جنس ابزار و تکنیک خرد نیستند، بلکه کلان و کلی هستند و همان‌طور که اشاره شد، از جنس کارکرد هستند که خود می‌توانند زیرنقش‌های فراوانی را دربرگیرند که عبارت‌اند از:
- تبلیغ: در آن متبوع برای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به‌طور خاص وعده می‌دهد که ممکن است صادق و یا کاذب باشد. تکرار کردن نیز یکی از شیوه‌هاست.
  - نیروی ویژه<sup>۱</sup>: برای ایجاد تبعیت، به نیروی متخصص و ویژه برای افراد و امور مختلف نیاز
- 
۱. منظور از نیروی ویژه افراد و یا گروه‌هایی هستند که برای اثرگذاری و ایجاد تبعیت در گروه هدف، تعلیم دیده و از امکانات و ابزار مناسب نیز برخوردارند.

است. برای همه نمی‌توان به یک نحو برنامه‌ریزی و آن را اجرا کرد و گروه‌ها و امور مختلف تحت تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبند.

- طریقه مالی: در آیات قرآن از این مؤلفه با عنوان مشارکت مالی یاد شده است.
  - طریقه تربیت و اثرگذاری در نسل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.
- علاوه بر این موارد کلان، خداوند از ابزارها و تکنیک‌های مختلف نام می‌برد. شاید بتوان این تکنیک‌ها و روش‌ها را در همه و یا برخی از موارد بالا به کار برد:
- وعده و وعید دادن؛
  - نسبت خیر دادن به تابعان؛
  - زیرسؤال بردن ویژگی‌های متبوع به انحای مختلف (با اتهام به دروغ‌گویی، قسم خوردن و غیره)؛
  - تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت بخشی)؛
  - تصویرسازی از نعمت‌های حاصل از تبعیت و حسرت‌های حاصل از عدم تبعیت؛
  - سدشکنی: اینکه عده‌ای سابقون امر باشند تا بقیه بتوانند پشت سر آن‌ها بیایند؛
  - شاهدگیری: اینکه تابع یا تابعانی که قرابتی با تابعان دیگر دارند، تبعیت کرده باشد.
  - گسترده نشان دادن (و یا نشان دادن گسترده‌گی) حوزه تبعیت (اعم از تابعان و حوزه نفوذ و غیره)؛
  - جازدن خواسته متبوع به جای خواسته تابع؛
  - استفاده از منبعی صاحب اعتبار که شخص از پیش قبول دارد (استناد، ارجاع و استفاده از آن) و زیرسؤال بردن آن در موارد رد تبعیت؛
  - اشاره به نو نبودن و قدیمی بودن متبوع به این معنا که مدت مدیدی است تبعیت می‌شود؛
  - اینکه چه کسانی از متبوع تبعیت می‌کنند و تطابقش با شأنی که تابع برای خود قائل است.
- خلاصه‌ای از مباحث یادشده در نمودار زیر ذکر شده است. طبق این نمودار، اصول و امهات در زیر قرار گرفته‌اند. این اصول در واقع اصول به معنای عرفی نیستند، بلکه ارکانی هستند که با تغییر آن‌ها فضای حاکم بر تبعیت به نحو محسوس‌تری تغییر می‌کند، مثل اینکه اعتقاد به غیب وجود داشته باشد یا نباشد.
- سپس در سه محور اصلی یعنی تابع، متبوع و تبعیت به تلخیص نکات پیش گفته پرداخته شده است. تبعیت به این علت میان تابع و متبوع قرار گرفته است که طبیعتاً بسیاری از مباحث مطرح شده در آن به نحو نسبتاً مساوی به هر دو طرف مربوط می‌شود.



نمودار ۱. مؤلفه‌های اصلی مرتبط با تبعیت در نسبت حکمرانی در قرآن

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، در تبعیت باید به سه رکن تابع، متبوع و تبعیت پرداخت. در این مقاله سعی شد این سه محور از منظر قرآن تشریح شود. در تابع، سازوکار تبعیت یک شخص از منظر قرآن ترسیم شد. یکی از سؤال‌های کلیدی در این محور، آگاهی و شناخت تابع نسبت به متبوع بود؛ اینکه آیا تابع برای تبعیت باید از متبوع آگاهی داشته باشد یا بدون شناخت آن نیز تبعیت امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد شخص قطعاً باید برای تبعیت علم اجمالی داشته باشد تا بتواند تبعیت کند و قرآن سطوحی از آگاهی را هم برای آن‌ها اثبات می‌کند. یعنی تابع باید حداقل با شناختی اجمالی متبوع را بشناسد. البته تبعیت و اثرات آن بر تابع در مراتب مختلف آگاهی متفاوت است، ولی در مجموع می‌توان گفت آگاهی شرط لازم تبعیت است نه شرط کافی.

همچنین، تأکید شد که «باور» جدای از آگاهی است و معمولاً اگر تبعیت از چیزی با باور مردم در تعارض قرار گیرد، شکست خواهد خورد.

در کل سه متغیر اصلی در انسان برای پیش‌بینی تبعیت شناسایی شد: آگاهی و علم (ذهن/قلب)، گرایش (قلب) و منفعت (نفس). ترکیب‌های مختلف این موارد است که تبعیت را در انسان شکل می‌دهد. مهم‌ترین آن‌ها منفعت، در مرتبه بعدی گرایش و در آخر نیز آگاهی قرار می‌گیرد. محور دیگر مدل حکمرانی متبوع است. متبوع در قرآن دارای ویژگی‌هایی است که در این

مقاله به تبیین آن‌ها پرداخته شد. مهم‌ترین ویژگی‌های یک متبوع داشتن فضل، استقلال و تمایز، خیرخواهی، امین و راستگو بودن، داشتن علم عملی برای هدایت، اطمینان‌بخش بودن و حسن قربت است.

اما همان‌طور که اشاره شد، متبوع از تبعیت جداست و تبعیت می‌تواند متفاوت از متبوع شکل بگیرد. در ترسیم نگاه قرآن به تبعیت چند جزء در محور تبعیت به‌صورت جداگانه بررسی و ارائه شدند که عبارت‌اند از: ارکان، علت، اثرات و ابزارهای تبعیت.

تبعیت ارکانی دارد؛ ارکانی که با تغییر در آن‌ها کل سازوکار حاکم بر حکمرانی و تبعیت متفاوت خواهد شد. اینکه شخص به متبوع ایمان داشته باشد یا خیر؛ وعده و وعید متبوع را مؤثر بداند یا خیر. همچنین، جهان‌بینی، ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم از مهم‌ترین ارکان تبعیت هستند.

جزء دوم رابطه تبعیت علت تبعیت است. با توجه به اینکه در تبعیت دو طرف یعنی تابع و متبوع وجود دارد، علت تبعیت همواره از جانب متبوع نیست. یعنی چنین نیست که همه به‌خاطر خود متبوع از او تبعیت کنند و یا به او باور کافی داشته باشند. علل تبعیت در آیات قرآن مختلف ذکر شده‌اند: محبت (بیشتر از جانب تابع به متبوع، رابطه دوطرفه)، پیروی از آبا (سنت)، خوف و خشیت/رجا و امید و میل و یا طبیعت تابع.

همچنین، می‌توان تبعیت را دارای اثراتی دانست. نزدیکی و قربت تابع و متبوع از مهم‌ترین اثرات تبعیت است. البته قرآن اثرات مختلف دیگری برای تبعیت ذکر می‌کند، اما به‌نظر می‌رسد آن‌ها تبعی این اثر هستند.

جزء آخر محور تبعیت در مؤلفه‌های حکمرانی در قرآن، ابزارهای تبعیت است. ابزارهای تبعیت در قرآن در دو دسته قرار می‌گیرند. دسته اول کلان و کلی هستند و به‌نحوی نقش‌های اصلی را در این زمینه برمی‌شمرند. این موارد عبارت‌اند از: تبلیغ، نیروی ویژه، طریقه مالی، طریقه تربیت و اثرگذاری در نسل. همچنین، قرآن ابزارهای خردتری برشمرده است؛ مواردی مثل وعده و وعید دادن، نسبت خیر دادن به تابعان، تحت‌الحمایه بودن (ایمنی و امنیت‌بخشی).

این مقاله تلاشی کوچک در راستای ترسیم حکمرانی از منظر قرآن کریم بود و در این راستا برخی از مؤلفه‌ها و محورهای کلی ترسیم و تبیین شد. اینکه قرآن کامل‌ترین راهنمای بشر در مسیر سیر بشریت به سمت کمال، چگونه به تبعیت و راهبری انسان نگاه می‌کند و اساس پیروی که جان‌مایه حکمرانی است را چگونه می‌بیند، می‌تواند کاربرد چشمگیری در ترسیم حکمرانی ایرانی اسلامی داشته باشد.

استفاده از نگاهی توصیفی در این مقاله می‌تواند در پژوهش‌های آتی بیشتر مورد استفاده قرار

گیرد تا بتوانیم با خود واقعی انسان و نحوه هدایت آن به نحو بهتری مواجه شویم. از همین مسیر است که می‌توان به نحو دقیق‌تر و جامع‌تری برای استقرار حکمرانی اصیل قدم برداشت. البته با توصیف خوب می‌توان تجویزهای بهتری نیز در این زمینه داشت.

هر کدام از مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌هایی که در این مقاله به اختصار بیان شد، باید دقیق‌تر بررسی و مطالعه شوند و به ابزارها و عصر امروزی زندگی بشر نزدیک‌تر شوند. قطعاً این مؤلفه‌ها در زندگی امروز بشر نیز حاضرند، اما نیاز است پژوهش‌های کاربردی متعددی برای ترسیم آن‌ها در زندگی امروز بشر و طراحی سازوکارهای مناسب هر کدام انجام شود.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. حسینی تاش، سید علی؛ واثق، قادر علی. ۱۳۹۳. «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام». اسلام و پژوهش های مدیریتی. شماره ۸. صص ۲۸-۷۸.
۳. حیدری، فریبا. ۱۳۹۵. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز حکمرانی خوب». صیانت از حقوق زنان. سال دوم. شماره ۲. صص ۱۶۲-۱۴۵.
۴. خامنه ای، سید علی. ۱۳۸۰. بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. khamenei.ir.
۵. سالارزهی، حبیب الله؛ ابراهیم پور، حبیب. ۱۳۹۱. «بررسی سیر تحول در پارادایم های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب». مدیریت دولتی. شماره ۹. صص ۶۳-۴۲.
۶. سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا. ۱۳۹۷. «فرا تحلیل کیفی پژوهش های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران». مدیریت دولتی. دوره ۱۰. شماره ۱. صص ۳۰-۱.
۷. شاه آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه. ۱۳۹۲. «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه. شماره ۲. صص ۱۸-۱.
۸. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۵. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. محمدعلیپور، فریده؛ رحیمی عماد، سید رضا. ۱۳۹۲. «علل شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و نظریه حکمرانی خوب. مطالعه موردی حکومت پهلوی دوم در سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷». پژوهشنامه متین. شماره ۵۹. صص ۱۸۴-۱۵۹.
۱۰. مسعودی پور، سعید؛ سپهری، مهدی. ۱۳۹۴. «روش شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم: طراحی الگویی کاربردی برای پژوهش های میان رشته ای». پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم. شماره ۲۱. صص ۹۸-۷۹.
۱۱. مصطفوی، حسن. ۱۳۸۵. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار العلامه المصطفوی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. ناظمی اردکانی، محمد. ۱۳۹۱. «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی». راهبرد توسعه. شماره ۳۱. صص ۸۸-۶۴.
۱۴. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه. ۱۳۹۴. «طراحی مدل حکمرانی خوب

براساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی». اقتصاد اسلامی. شماره ۵۷. صص ۳۱-۶۲.

15. Capano, Giliberto. Howlett, Michael. Ramesh, M. 2015. **Varieties of Governance Dynamics, Strategies, Capacities**. New York: Springer.
16. Farazmand, A. Carter, R. 2004. **Sound governance: Policy and administrative innovations**. Greenwood Publishing Group.
17. Frederickson, H. G. Smith, K. B. Larimer, C. W. Licari, M. J. 2012. **The public administration theory primer**. Boulder, CO: Westview Press.
18. Gläser Jochen. 2012. **From Governance to Authority Relations?** Whitley, R., Gläser.
19. Jessop, B. 2002. "Governance and meta-governance in the face of complexity: On the roles of requisite variety, reflexive observation, and romantic irony in participatory governance". Participatory governance in multi-level context.
20. Kettl, D. F. 2002. **Managing indirect government**. In The tools of government: A guide to the new governance.
21. Kooiman, J. 1993. **Modern governance: New government – society interactions**. London. Sage.
22. 2013. **Governing as governance**. London. SAGE.
23. Laurence, E. Lynn, Jr. 2010. **Governance**. Foundations of Public Administration.
24. Lee, Myung Suk. 2003. "Conceptualizing the New Governance: A new institution of social coordination". Bloomington. Paper presented at the Institutional Analysis and Development Mini-Conference in Indiana University.
25. Meuleman, Louis. 2008. **Public Management and the Metagovernance of Hierarchies, Networks and Markets**. The Netherlands. Physica-Verlag Heidelberg.
26. Mouzelis, N. P. 2008. **Organization and bureaucracy: an analysis of modern theories**. London. Routledge.
27. Peters, G. 2000. **Governance in the Twenty-first Century: Revitalizing the Public Service**. Montréal. McGill-Queen's University Press.
28. Rhodes, R. A. 1995. **The new governance: Governing without government**. Swindon. Economic and Social Research Council.
29. 1997. **Understanding governance: Policy networks, governance, reflexivity and accountability**. Maidenhead. Open university press.
30. Stoker, G. 1998. "Governance as theory: five propositions". International Social Science Journal. Volume number 155.

31. 2018. \_\_\_\_\_ . **Governance as theory: five propositions**. International Social Science Journal. volume number 68.
32. Voss, Jan-Peter. 2007. **Designs on governance: Development of policy instruments and dynamics in governance**. PhD thesis. Enschede. University of Twente. School of Management and Governance.
33. Waters, Tony. Waters, Dagmar. 2015. **Weber's rationalism and modern society: new translations on politics, bureaucracy, and social stratification**. Palgrave Macmillan.

### پیوست

#### جدول ۱. تدبیرات مرتبط با تابع

آدرس	مقوله	تدبیرات
حمد: ۱-۳	آگاهی تابع	ریشه اثرات ایمان و عمل صالح و کفر و سد از سبیل دنباله تبعیت از حق یا باطل است (ذالک بان) و هر کدام از آن‌ها بدون تبعیت اثری نخواهند داشت. شاید از این آیه بتوان نقش آگاهی را، حداقل در اثرگذاری تبعیت، دید. بر این اساس، تبعیت در صورتی اثر دارد که آگاهانه باشد. چون حق و باطل که لزوماً عینی و مشخص نیستند؛ بنابراین، نیاز به بصیرت و شناخت از آن‌ها وجود دارد تا بتوان به دنبال آن‌ها رفت. به نظر می‌رسد آیه آگاهی را پیش فرض گرفته است.
نساء: ۱۱۵	آگاهی تابع	در اینجا به آگاهی اشاره دارد و خداوند آثاری مانند جهنم را، که برای عدم تبعیت ذکر می‌کند، به آگاهی منوط می‌کند؛ بنابراین، آثار تبعیت آگاهانه و غیر آگاهانه تفاوت دارد و مثل اینکه قرآن وجود تبعیت غیر آگاهانه را هم تأیید می‌کند.
شعرا: ۳۹-۴۰	آگاهی تابع	این آیات به علم امت فرعون به او و اعتقادی که به او داشته‌اند اشاره دارد. به نظر می‌رسد این اعتقاد جمعی به فرعون است که آن‌ها را امت واحدی قرار داده است. در این آیات ندادننده خطاب به امت می‌گوید جمع شوید تا در صورتی که ساحران پیروز شدند از آن‌ها یعنی دین آن‌ها، که همان فرعون است، پیروی کنیم نه اینکه جمع شوید تا از برنده مبارزه که در واقع حق با اوست پیروی کنیم.
بقره: ۱۶۷-۱۶۵	آگاهی تابع	به نظر می‌رسد به سطحی از عدم آگاهی تابع اشاره می‌کند. عدم آگاهی از اینکه قدرت در اختیار خداست، متبوع اسباب خاصی ندارد و اینکه خداوند عذاب‌کننده سخت است... البته اینکه خدا آن‌ها را عذاب ابدی می‌دهد نشان می‌دهد هدایت به آن‌ها رسیده بوده است و با وجود علم از باطل تبعیت کرده‌اند.

بقره: ۱۷۰	آگاهی تابع	عدم آگاهی ارادی دارند. در تبعیت از اهل باطل تعصب به خرج می دهند و اصلاً تأمل نمی کنند؛ در واقع، به علت عدم تفکر، به ثمرات و ماهیت چیزی که تبعیت می کنند آگاهی ندارند، اما در واقع حجت بر آن‌ها تمام شده است.
نساء: ۱۵۷	آگاهی تابع	حتماً نیاز نیست انسان‌ها به چیزی که آن از تبعیت می کنند یقین و یا علم کامل داشته باشند، بلکه از ظن هم تبعیت می کنند.
کهف: ۶۶-۶۸	آگاهی تابع	تبعیت از شخص یا چیزی که در پی آن باورهای شخص زیر سؤال برود و یا با آن در تعارض باشد، بسیار کم موفق خواهد بود و صورت خواهد گرفت. هر چند آن شخص یا چیز صاحب فضل و برتری باشد.
ابراهیم: ۴۴	آگاهی تابع	اگر این باور صورت پذیرد که تبعیت یا عدم تبعیت از یک راه عذاب در پی دارد، در آن صورت تبعیت صورت خواهد پذیرفت. اما باید باور صورت پذیرد. همان‌طور که در این آیه گنهگاران باور پیدا کرده اند که عدم تبعیتشان عذاب در پی دارد و آرزو می کنند به دنیا برگردند و از رسل تبعیت کنند.
جاثیه: ۱۷-۱۸	آگاهی تابع	در این آیه با اینکه حجت یعنی مرتبه‌ای از علم بر کسانی که تبعیت نمی کنند تمام شده است و به آن طریق علم دارند، اما خداوند درباره آن‌ها می فرماید علم ندارند و نمی دانند. انگار علم داشتن و دانستن تفاوت دارد. مانند تفاوت کسی که بداند آتش داغ است با کسی که دستش سوخته است، علم این دو متفاوت است؛ بنابراین، مراتب علم مختلف می تواند در نوع تبعیت مؤثر باشد. هر چه علم قوی تر، احتمال تبعیت بیشتر. خداوند به سبب ایجاد بستر آزمایش مراتب عالی علم را برای انسان‌ها در مرتبه دنیا نگشوده است، اما علم بیشتر می تواند تبعیت بیشتر هم بیاورد. قطعاً مراتب بالاتر علم از جنس حصولی نیست، علم حضوری است؛ بنابراین، ایجاد علم حصولی در ایجاد تبعیت ممکن است مرتبه پایینی از تبعیت را به همراه بیاورد و می توان علت اینکه سابقون بسیار مهم هستند را همین دانست؛ آن‌ها علم حصولی را گرفته و با سیر در مراتب معرفت الهی تبدیل به حضوری می کنند. البته صرف تبعیت عده‌ای از یک مسیر، علم دیگران را از مرتبه حصولی صرف ارتقا می دهد و معرفت آن‌ها ارتقا می یابد.
محمد: ۱۴	آگاهی تابع / ویژگی تابع	در این آیه خداوند به فهمی بیش از فهم فکری و ذهنی برای تبعیت اشاره می کند، چه برای مؤمنان که دلیل روشن از جانب خداوند است و چه برای کفار که به پشتوانه تزیینی از عملشان است؛ بنابراین، حتی کفار هم که تبعیت نمی کنند سوء و بدی عملشان در نفسشان شیرینی ایجاد می کند که البته از جنس تزیین است و آن‌ها به سمت آن حرکت می کنند.

بقره: ۱۴۵	آگاهی تابع	آگاهی تنها شرط تبعیت نیست؛ اگر مراتب بالای آگاهی هم برای عده‌ای فراهم شود، تبعیت نخواهند کرد. شاید شرط لازم باشد، ولی شرط کافی نیست. اما آیا می‌توان گفت قاطبه مردم با فراهم شدن سطح مناسبی از آگاهی تبعیت خواهند کرد؟
انعام: ۱۱۶ و ۱۴۸	ویژگی تابع / آگاهی تابع	مردم در زندگی به ظن و گمان برای تبعیت از یک چیز اعتماد می‌کنند و خیلی برای تبعیت در انتظار آگاهی نمی‌مانند، بلکه چیزهای دیگری تبعیت را رقم می‌زند. آنجا که با صبغه مضارع می‌فرماید از ظن و جز از تخمین تبعیت نمی‌کنند اشاره به این معنا دارد.
اعراف: ۲۷؛ انعام: ۱۴۲ و آیات دیگر	ویژگی تابع / آگاهی تابع	به تعبیر قرآن شیطان دشمن آشکار آن‌هاست، اما مردم از او تبعیت می‌کنند. چرا؟ چون آن را نمی‌بینند (عدم آگاهی).
اعراف: ۲۷؛ انعام: ۱۴۲ و آیات دیگر	ویژگی تابع / آگاهی تابع	شاید همین که شیطان عدو مبین است و بعضی کافران نیز به همین وصف در قرآن آمده‌اند دلیلی بر آن باشد که برای تبعیت شدن بهتر آن است که دیده نشود و دیده نشدن آن‌ها کمکی بر تبعیت‌شدنشان است.
قصص: ۵۰ و آیات دیگر	ویژگی تابع	هوا و هوس تابع در اینکه از چه چیزی یا چه کسی پیروی کند اثرگذار است.
قصص: ۴۷-۵۰	ویژگی تابع	چنین نیست که افراد مطابق با شناخت و علم خود از کسی تبعیت کنند یا نکنند. گاهی شخص می‌داند کسی راست می‌گوید، اما برای چیزی مثل هوای نفس و منفعت شخصی از او تبعیت نمی‌کند. البته این مورد با اینکه بگوئیم او در آن لحظه، تبعیت از هوای نفسش را حسن و خوب می‌داند تفاوت دارد.
آل عمران: ۷	ویژگی تابع	مرتبه قلب را هم به تبعیت اضافه می‌کند. یعنی فارغ از اینکه فرد چه چیز در ذهن داشته باشد، هدفش چه باشد، متبوع که باشد و غیره، اینکه در قلبش چه بگذرد در تبعیت اثرگذار است. اتفاقاً در این آیه گرایش قلبی را مقدم داشته است.
نساء: ۱۳۵	ویژگی تابع	منافع شخصی و منافع خویشاوندی ممکن است تبعیت را شکل دهد. این دو تاحدی قوی است که ممکن است شخص حق را کنار بگذارد و برای آن‌ها به بیراهه رود. جالب است در حالی که قرآن در اینجا از منافع خویشاوندی هم نام برده است، در ادامه آیه می‌فرماید از هوای نفس پیروی نکنید. مثل اینکه حتی در جایی که انسان به اسم خویشاوندی از حق عدول می‌کند در واقع از هوای نفس پیروی می‌کند و برای منافع شخصی است که حق را زیر پا می‌گذارد.

مانده: ۴۸	ویژگی تابع	انسان‌ها به امت‌هایی علقه و وابستگی دارند. این امر باعث امتحان الهی است، یعنی خدا بستر امت‌های مختلف را، که بستری برای امتحان است، ایجاد کرده است. یعنی برای امتحان، انسان‌ها را در تبعیت از حق با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین، یکی از وابستگی‌های تابع برای پیروی، تعلق آن به امتش است. با این تفسیر، جایگاه و ویژگی‌های جایگاهی تابع را هم در ویژگی‌های خود تابع داخل کرده‌ایم.
۱ عر ۱ ف : ۱۷۵-۱۷۶	ویژگی تابع	گرایش در تبعیت بسیار پررنگ است، حتی از آگاهی هم پررنگ‌تر است. علم و آگاهی با مراتب بالا در بلعم باعورا جمع شده است، اما با اینکه آیات الهی به او نشان داده شده است، او به دنیا گرایش دارد و از هوای نفس خود تبعیت می‌کند.
محمد: ۱۴ و ۱۶	ویژگی تابع	فارغ از اینکه شخص به چه دلیل تبعیت کرده است، خود تبعیت پیشینی تبعیت پسینی را تقویت می‌کند. اینکه اشاره می‌کند به سوء عمل آن‌ها و اثری که سوء عمل می‌گذارد اشاره به همین دارد. زیرا عمل آن‌ها، آن‌ها را به این مسیر می‌کشاند و این مسیر به صورتی می‌شود که به جایی می‌رسند که در آن پایدار می‌شوند و به تعبیر قرآن بر دل آن‌ها طبع می‌زده می‌شود.
نجم: ۲۳؛ یونس: ۳۵ و ۳۶	ویژگی تابع	فهم (هرچند ناقص و به صورت ظن) + گرایش (ممکن است هوا باشد یا فطری).

## جدول ۲. تدبیرات مرتبط با متبوع

آدرس	مقوله	تدبیرات
محمد: ۲	ویژگی متبوع	آنچه شایستگی دنباله‌روی دارد حق است (وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ).
توبه: ۴۲	ویژگی متبوع	افراد در چیزهایی که منفعت سهل الوصول و طریق راحت داشته باشد راحت‌تر تبعیت می‌کنند.
بقره: ۱۶۷-۱۶۵	ویژگی متبوع	متبوع صاحب اسباب است.
بقره: ۱۴۳	ویژگی متبوع	بحث استقلال و شاید بتوان گفت تمایز برای کسانی که تبعیت می‌کنند مهم است. در این آیه هم پیامبر و هم مؤمنان در اینکه قبله مشترکی دارند، تحت فشار هستند و البته این بستر امتحان الهی است، اما نشان می‌دهد این قبله مشترک باعث بهتان اهل کتاب شده است؛ به این صورت که شما دین جدید هستید اما قبله‌تان با ما یکی است و به عبارتی، استقلال آن‌ها را زیر سؤال می‌بردند و مؤمنان را استهزا می‌کردند. خداوند تبعیت را در این شرایط فقط مخصوص کسانی می‌داند که شامل هدایت الهی شده باشند؛ بنابراین، واقعاً کار سختی بوده است.

هود: ۲۷	ویژگی متبوع	افراد در چیزی یا کسی که از او تبعیت می‌کنند باید فضل و برتری ببینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بستگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.
طه: ۸۸-۹۶	ویژگی متبوع	سامری هم‌زمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند. اول اینکه این اله را به اله حضرت موسی (علیه‌السلام) نسبت می‌دهد و در واقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موسی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به‌عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احساس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موسی بود که چیزی شبیه بت پرستان داشته باشند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبلاً ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرار داد.
فرقان: ۷-۱۱	ویژگی متبوع	نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد و فضل داشته باشد. در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرسؤال می‌برند ولی در واقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌ها آن را مایه عزت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال و غیره.
شعرا: ۱۰۶ و ۱۰۸	ویژگی متبوع	خیرخواهی و امین بودن متبوع
یس: ۲۱	ویژگی متبوع	راه‌بلدی و به‌عبارت دیگر، علم عملی که بتواند دیگران را به سمت مقصودی که دعوت می‌کند هدایت کند (مهدون).
یس: ۲۱	ویژگی متبوع	خیرخواهی (لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا)
قمر: ۲۵ و آیات دیگر	ویژگی متبوع	شاید با توجه به اینکه در آیات مختلف برای عدم تبعیت، پیامبران را به دروغ متهم می‌کنند نشان می‌دهد که در اذهان مردم راستگو بودن شخصی که تبعیت می‌شود یک اصل است.
قمر: ۲۴	ویژگی متبوع	در این آیات دوباره دیدن فضل و برتری را نشان می‌دهد. در این آیه به اینکه کسی که از میان خودشان بوده و فضلی در او نمی‌دیدند و همچنین عده و عده‌ای ندارد اشاره دارد و تبعیت از آن را خسران می‌داند.
غافر: ۳۸	ویژگی متبوع	به سلسله‌مراتبی بودن تبعیت و گره‌های تبعیت اشاره می‌کند. اگر متاع از خود گروه هدف باشد، آن‌ها به سخن او گوش می‌دهند، او را از خودشان می‌دانند و با تبعیت او به فرد اصلی می‌رسند. هر گروهی اگر می‌خواهیم به تبعیت در بیایند باید از خودشان کسانی متاع باشند که آن‌ها را به متاع اصلی رهنمون کنند.
اعراف: ۱۸-۲۱	ویژگی متبوع	شیطان برای اینکه آدم و هوا از او تبعیت کنند، هرچند به دروغ، از باب خیرخواهی وارد شده است و برای این کار قسم هم می‌خورد.

لقمان: ۲۲	ویژگی متبوع	می‌گویند برای تبعیت به آنچه از پدرانمان رسیده تکیه می‌کنیم، ولی خداوند می‌فرماید آن تکیه‌گاه امنی نیست. به نظر می‌رسد به اطمینان اشاره داشته باشد و اینکه در تبعیت اطمینان مهم است و خداوند هم آن را زیرسؤال نبرده است، بلکه می‌فرماید مصداقش را اشتباه گرفته‌اید.
آیات مختلف	ویژگی متبوع	به نظر می‌رسد خداوند برای تبعیت مردم از هدایت الهی اولاً، رسول فرستاده است؛ رسولی که از جنس خود مردم است و به صورت کلی یعنی انسان و به صورت خاص معمولاً از همان قوم است. دوماً، رسول تأییدشده با معجزه و در واقع در ارتباط با منبعی فرابشری است؛ بنابراین، از یک جنبه افراد به او احساس قرب می‌کنند و از جنبه دیگر، احساس برتری و والایی او را دارند.
مریم: ۴۳ یوسف: ۱۰۸	ویژگی متبوع	علم و بصیرت یکی از ویژگی‌های متبوع است. تابع باید باور داشته باشد که متبوع علم دارد؛ قرآن بارها این ویژگی را درباره پیامبران ذکر کرده است. هرچند بسیاری از انسان‌ها این را رد می‌کنند، اما جزء نکاتی است که اکثراً بیان می‌کنند.
قصص: ۵۷	ویژگی متبوع	ایمنی خواهی و دوری از ترس یکی از علل تبعیت یا عدم تبعیت است. اینکه خداوند به پاسخ ایشان می‌پردازد نشان می‌دهد که واقعاً چنین نیازی وجود دارد و ممکن است تبعیت‌ها را جهت دهد.
احقاف: ۹-۱۰	ویژگی متبوع	شاهد آوردن به اینکه یکی از خود شما هم تبعیت کرده است، در این حالت ممکن است احساس نزدیکی پیش بیاید و به همین خاطر شاید سابقون بسیار اهمیت دارند.

### جدول ۳. تدبیرات مرتبط با تبعیت

آدرس	مقوله	تدبیرات
نساء: ۱۱۵	تبعیت	گفته است «غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ»، در صورتی که می‌توانست به صورت دیگری بگوید و احتمالاً به تبعیت جمعی اشاره دارد (با توجه به تفسیر علامه طباطبایی از این بخش که به وحدت اشاره دارند). شاید قرآن می‌خواهد بفرماید تبعیت از رسول باید جمعی باشد و تفرق در تبعیت از رسول هم پسندیده نیست؛ بنابراین، متبوع یک چیز است و تبعیت و چگونگی تبعیت چیز دیگر.
توبه: ۴۲-۴۴	ارکان تبعیت	ایمان به خدا یک منشأ تبعیت است و ایمان به روز آخرت منشأ دیگر؛ در واقع، با ایمان به خداست که می‌توان با سببی مثل محبت تبعیت را ایجاد کرد و ایمان به آخرت که انگیزه‌هایی که خداوند برای ایجاد تبعیت داده است را معنادار می‌کند؛ بنابراین، شاید این آیه به دو وجه تبعیت یعنی ایمان و قبول داشتن کسی که باید تبعیت شود و مؤثر دانستن وعده‌ها (انگیزه‌ها) به عنوان دو رکن تبعیت اشاره می‌کند.

هود: ۲۷	ارکان تبعیت	افراد باید در چیزی یا کسی که از او تبعیت می‌کنند فضل و برتری ببینند. البته این فضل و برتری به نگاه آن‌ها و باور آن‌ها هم بستگی دارد. کسی که به غیب اعتقاد ندارد، چیزی را ملاک برتری می‌داند و کسی که اعتقاد دارد چیز دیگری را.
بقره: ۱۶۵-۱۶۷	علت تبعیت	این آیات محبت را واسطه بین تابع و متبوع، حتی در حالت گمراهی، قرار می‌دهد و به محبت بیشتر مؤمنان به خدا اشاره می‌کند. اما محبت اهل ضلالت با دیدن ریختن نظام اسباب از بین می‌رود و جالب آن است که خداوند ابتدا تباری متبوع را از تابع بیان می‌کند و سپس متبوعان با دیدن تباری آن‌ها می‌گویند اگر به دنیا برگردیم از آن‌ها تبری می‌کنیم. به نظر می‌رسد با این بیان، اصلاً از قبل محبت یک‌طرفه فقط از جانب تابع بوده و از اول هم متبوع محبتی به تابع نداشته است که تابع با دیدن این رفتار متبوع جا می‌خورد و می‌گوید کاش از اول...؛ بنابراین، در این آیه دو علت تبعیت گفته شد: یکی محبت و دیگری اسباب.
بقره: ۱۷۰	علت تبعیت	علت تبعیت را پیروی از آبا (سنت) ذکر می‌کند.
بقره: ۱۷۴-۱۷۵	علت تبعیت	خوف و خشیت یکی از علل تبعیت است که شیطان نیز از این ابزار برای گمراهی استفاده می‌کند. شاید به همین سبب است که خداوند در آیات مختلف انسان‌ها را به تبعیت از هدایت و رضوان خود دعوت می‌کند که با این کار دیگر خوف و ترسی نخواهند داشت. زیرا قدرت مطلق در اختیار اوست.
مائده: ۱۶؛ آل عمران: ۱۶۲	علت تبعیت	تبعیت از رضوان الهی
مائده: ۱۶	علت تبعیت	خداوند مژده سلامتی و نور و هدایت به صراط مستقیم را به تبعیت‌کنندگان از رضوانش می‌دهد که شاید این سه در مقابل وعده شیطان و اولیایش باشد.
یس: ۱۱	علت تبعیت	خشیت و خوف را یکی از عوامل تبعیت ذکر کرده است. فقط چون خشیت از خداوند با اعتقاد به غیب معنا پیدا می‌کند آن را به غیب اضافه کرده است.
آل عمران: ۳۱	علت تبعیت	به رابطه میان محبت و تبعیت اشاره دارد. می‌توانست هر واژه دیگری مثل اسلام و ایمان را جای محبت قرار دهد، اما به‌کاربردن واژه محبت می‌تواند نشان‌دهنده رابطه بین محبت و تبعیت باشد. همچنین، به رابطه معکوس آن نیز، یعنی محبتی که به دنبال تبعیت می‌آید، اشاره دارد.

آل عمران: ۶۸	اثرات تبعیت	مهم‌ترین اثر تبعیت نزدیکی تابع و متبوع است؛ در واقع، این قرابت هم قرابت خاص است نه قرابت فیزیکی. چون تبعیت از محبت برمی‌خیزد و اثرات محبتی دارد. در این آیه کسانی که از حضرت ابراهیم تبعیت کرده‌اند را نزدیک‌ترین افراد به ایشان معرفی می‌کند. آیات مختلف به این امر اشاره دارند.
اعرف: ۱۵۷	علت/ ابزار تبعیت	وعدۀ فلاح خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.
قصص: ۴۷؛ طه: ۱۲۳؛ اعراف: ۱۵۸	علت/ ابزار تبعیت	وعدۀ هدایت (عدم گمراهی) خدا برای اینکه از رسول تبعیت کنند.
انعام: ۱۵۰	ابزار تبعیت	اشاره به اینکه انسان بصیر از این راه تبعیت می‌کند. استفاده از اینکه انسان دوست دارد در زمره ویژگی‌ها و دسته‌های خوب قرار بگیرد؛ تحریک برای ایجاد تبعیت.
انعام: ۱۵۵	علت/ ابزار تبعیت	وعدۀ رحمت در صورت تبعیت
مائده: ۱۶؛ آل عمران: ۱۷۴؛ آل عمران: ۱۶۲	علت/ ابزار تبعیت	وعدۀ رضوان الهی در صورت تبعیت
آل عمران: ۱۶۲؛ بقره: ۱۷۸	علت/ ابزار تبعیت	اشاره به اینکه کسی که تبعیت نکند به بدی و جهنم و غیره دچار خواهد شد.
بقره: ۱۷۰	ابزار تبعیت	بدل زدن و زیرسؤال بردن علت تبعیت از طرف دیگر و مقابل؛ به این صورت که می‌گوید از سنت پدرانتان تبعیت می‌کنید، اگر نمی‌فهمیدند چه؟ همین آوردن «اگر نمی‌فهمیدند» و اینکه تبعیت کورکورانه ذاتاً مقبوح انسان است.
بقره: ۳۸	علت/ ابزار تبعیت	وعدۀ اینکه کسی که تبعیت کند از خوف و اندوه به دور خواهد بود.
ابراهیم: ۳۶	اثرات تبعیت	قرابت تابع و متبوع
فرقان: ۷-۱۱	ابزار تبعیت	نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را، که اتصال او به غیب است، زیرسؤال می‌برند ولی در واقع، می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در آن چیزی که آن‌ها را مایه عزت و برتری می‌بینند بر آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.

شعرا: ۲۱۵	ابزار تبعیت	تحت حمایت قرار گرفتن به ویژه حمایت معنوی و اجتماعی که در رأس آن پیامبر و بعد مؤمنان قرار دارند می تواند مردم را ترغیب کند که از رسولش پیروی کنند. به نظر می رسد در استفاده از واژه واخفص بیشتر حمایت معنوی و اجتماعی منظور است تا حمایت مادی و غیره، مثل یک سرپناه و مأمن. یعنی حس ایمنی خواهی و سرپناه خواهی مردم ممکن است آن ها را به تبعیت وادارد.
قصص: ۳۵	ابزار/ علت تبعیت	وعدۀ پیروزی به عنوان وعده ای که می تواند جلب تبعیت کند.
توبه: ۱۰۰	تبعیت	ممکن است متبوع حق باشد، اما علت تبعیت حق نباشد. یعنی علت تبعیت لزوماً منطبق با متبوع نیست. خداوند احسان را وصف تبعیت می آورد که علامه طباطبایی به معنای تبعیت از روی حق می گیرند، نه اینکه از سابقون با عناوین دیگر تبعیت کند.
توبه: ۱۰۰	تبعیت	تبعیت بدون پشتوانه؛ تبعیت ابزارگونه؛ منافقانه؛ برای کسب اغراض شخصی؛ در این آیه تبعیت به احسان وصف شده است.
زمر: ۱۸	ابزار تبعیت	اتصاف به ویژگی پسندیده؛ کسانی که تبعیت کنند صاحبان خرد هستند و هدایت یافته اند. خب؛ انسان طبیعتاً دوست دارد این گونه باشد؛ بنابراین، در فرد این گونه بودن ایجاد انگیزه می کند.
زمر: ۵۴-۵۹	ابزار تبعیت	تصویرسازی از آینده مسیری که می روند و عدم تبعیت که ممکن است این تصویر واقعی و یا ساختگی باشد. تصویر از حسرت ها و اموری که از دست می روند.
بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸	ابزار تبعیت	علت تبعیت (عدم تبعیت)؛ دادن نسبت دشمنی و عداوت در شخص متبوع در واقع، خیرخواهی را زیرسؤال بردن است.
نساء: ۱۱۵	علت/ ابزار تبعیت	وعید به جهنم برای کسانی که پیروی نکنند.

اسراء: ۶۴	ابزار تبعیت	<p>خداوند برای شیطان ابزارهای مختلف ایجاد تبعیت را برمی شمرد که البته شاید بتوان از این ابزارها به صورت کلی تر برداشت کرد و از آن‌ها به عنوان ابزارهای ایجاد تبعیت نرم یاد کرد که عبارت‌اند از:</p> <p>۱. تبلیغ: در این آیات هم صوت و هم وعده دادن به این ابزار اشاره دارد که در آن متبوع برای ایجاد تبعیت تبلیغ می‌کند و به طور خاص وعده می‌دهد. وعده اعم از طریق حق و باطل است. چون خداوند وعده را به خود هم نسبت می‌دهد، اما وعده خود را صادق و باقی وعده‌دهندگان را کاذب می‌داند؛ بنابراین، یک شیوه متداول است هر چند ممکن است صادق و یا کاذب باشد و نشان می‌دهد که در ایجاد تبعیت فارغ از جهت‌گیری مؤثر است. ۲. نیروی ویژه: در این آیات به سواره‌نظام و پیاده‌نظام اشاره می‌کند که با اشاره علامه در تفسیر این آیات می‌توان چنین برداشت کرد که برای ایجاد تبعیت نیاز به نیروی متخصص و ویژه برای افراد و امور مختلف هستیم. برای همه نمی‌توان به یک نحو برنامه‌ریزی و اجرا کرد و گروه‌ها و امور مختلف تبعیت، نیروی متناسب خود را می‌طلبد.</p> <p>۳. طریقه مالی: در این آیات با مشارکت مالی از آن یاد شده است.</p> <p>۴. طریقه تربیت و اثرگذاری در نسل که با عنوان مشارکت در اولاد یاد شده است.</p>
نور: ۲۱ و آیات متعدد دیگر	ابزار تبعیت	<p>تکرار و ذکر و یادآوری ابزاری است که خداوند در آیات مختلف برای ایجاد تبعیت استفاده کرده است. یادآوری دشمنی شیطان، راه ضلالتی که هدایت می‌کند و غیره. شاید این ذیل ابزار تبلیغ باشد که در آیات قبلی آمده بود، اما با شیوه‌ای خاص یعنی تکرار.</p>
عنکبوت: ۱۲	ابزار/ علت تبعیت	<p>این آیه نشان می‌دهد ترس از علل تبعیت است که کافران سعی می‌کردند آن را کاهش دهند تا مؤمنان از راهشان برگردند.</p>
شعرا: ۱۱۱	ابزار تبعیت	<p>سایر تابعان و اینکه چه کسی از آن فرد تبعیت می‌کند در اینکه سایرین نیز تبعیت کنند یا خیر اثرگذار است.</p>
قصص: ۵۷ و ۵۸	ابزار تبعیت	<p>تهدید از طریق به رخ کشیدن سرنوشت کسانی که این مسیر را رفته‌اند برای تبعیت.</p>
اسراء: ۶۵	ابزار تبعیت	<p>سلطنت و قدرت یک چیز است و توهم سلطنت چیز دیگری است. گاهی متبوع ممکن است دامنه تسلط خود را وسیع‌تر نشان دهد که این می‌تواند اثرات مختلفی از جمله ایجاد تبعیت بیشتر از ترس و غیره داشته باشد. قرآن به شیطان دامنه سیطره او را گوشزد می‌کند و به تعبیر علامه همین دامنه را هم به خود نسبت می‌دهد.</p>

اعراف: ۲۷ (جزء آیاتی نیست که تبعیت در آن باشد، اما با راهنمایی آیات دیگر به آن رسیدیم).	ابزار تبعیت	کاری که شیطان می‌کند این است که خود را به جای انسان جا می‌زند و خواسته خود را با تزویر، خواسته انسان می‌کند. پنهان بودنش به این امر کمک می‌کند. جازدن خواسته خود به جای خواسته دیگران موجب تبعیتی خودخواسته خواهد بود که آگاهی نیز در آن نخواهد بود.
روم: ۲۹-۳۰	علت تبعیت	این چیزی که متبوع به آن دعوت می‌کند باید متناسب با تابع باشد. تابع خلقتی دارد که خاص خود آن است و تبعیت باید اقتضانات آن را در نظر گیرد. این اقتضانات اعم از جسمی، روحی و غیره است.
طه: ۸۸-۹۶	علت / ابزار تبعیت	سامری هم‌زمان از چند نکته برای ایجاد تبعیت استفاده می‌کند؛ اول اینکه این اله را به اله حضرت موسی (علیه السلام) نسبت می‌دهد که در واقع از اعتبار و مرجعیت حضرت موسی استفاده می‌کند؛ دوم اینکه در آنچه به‌عنوان خدا نسبت می‌دهد وجه اعجاب قرار می‌دهد که مردم در آن احساس فضل می‌کنند و سوم اینکه این بت متناسب با خواست قوم موسی بود که چیزی شبیه بت پرستان داشته باشند. اما نمی‌توانست همان بت را به آن‌ها عرضه کند، چون حضرت قبلاً ایشان را از بت نهی کرده بود؛ بنابراین، در آن اعجاز قرار داد.
اعراف: ۱۵۷	ابزار تبعیت	اشاره به اینکه آمدن رسول با چنین ویژگی‌هایی از پیش وعده داده شده و در منابع معتبری از او یاد شده بود؛ منابعی مثل تورات و انجیل.
هود: ۲۷؛ شعرا: ۱۱۱	ابزار تبعیت	اینکه چه کسی از شخص تبعیت می‌کند نیز در تصمیم فرد در اینکه از او تبعیت کند یا نه تأثیرگذار است. اگر افرادی از آن فردی که مورد احترام و قبول و دارای مزیتی باشند تبعیت کنند، احتمال اینکه دیگران از آن شخص تبعیت کنند بیشتر است.
یوسف: ۳۸	ابزار تبعیت	منتسب کردن خود به منبع صاحب اعتبار؛ حضرت یوسف خود را به ملت پدرانش که صاحب اعتبار بوده است منتسب می‌کند.
یوسف: ۳۸؛ احقاف: ۹	ابزار تبعیت	اشاره به اینکه چیزی که باید از آن تبعیت شود و یا کسی که باید از او تبعیت شود، چیز نویی نیست و قبلاً بوده و بسیاری از او تبعیت کرده‌اند.
نحل: ۱۲۳	ابزار تبعیت	اینکه خداوند پیامبر را به حضرت ابراهیم متصل می‌کند و او را پیرو ایشان معرفی می‌کند و تبعیت از ایشان را همان تبعیت از ابراهیم بیان می‌کند؛ در واقع این استفاده کردن از اعتبار یک منبع اعتبار است و خود را نماینده و یا جانشین آن معرفی کردن که در ایجاد تبعیت مؤثر است.

<p>هود: ۲۷؛ اسراء: ۴۷</p>	<p>ابزار تبعیت</p>	<p>در این آیه کفار منشأ اعتبار و فضل پیامبر که مطاع مردم است را زیرسؤال می‌برند؛ در واقع، آن منشأ وحی و ارتباط ایشان با غیب است که در این آیه ایشان را به مسحور متهم می‌کنند. کفار منشأ تبعیت از پیامبر را زیرسؤال می‌برند. مانند اینکه در جای دیگر، پیامبرشان را به دروغگو بودن متهم می‌کردند آن‌ها نیز می‌خواهند منشأ فضل را زیرسؤال ببرند.</p>
<p>فرقان: ۷-۱۱</p>	<p>ابزار تبعیت</p>	<p>نشان می‌دهد مردم می‌خواهند از کسی تبعیت کنند که از آن‌ها برتر باشد، فضل داشته باشد و در این آیات فضل پیامبر را که اتصال او به غیب است زیرسؤال می‌برند ولی در واقع می‌خواهند از کسی پیروی کنند که در چیزی که آن‌ها آن را مایه عزت و برتری می‌بینند به آن‌ها مزیت و برتری داشته باشد مثل مال.</p>
<p>قمر: ۲۵</p>	<p>ابزار تبعیت</p>	<p>برای تبعیت نکردن، منشأ تفضل و برتری را از طریق اتهام دروغ زیرسؤال بردن.</p>